

تحریم، تناقض‌گویی و جنگ روانی علیه ایران، آمریکایی‌ها را به یک توافق نمی‌رساند

نقاب مذاکره بر صورت تحریم



زهرا طیبی

خبرنگار گروه سیاست

ترامپ، دو هفته بعد از ورودش به کاخ سفید، تداوم سیاست فشار حداکثری علیه ایران را امضا کرد. از آن زمان تاکنون تقریباً هفت تحریم علیه ایران اعمال شده اما نکته عجیب ماجرا این است که بخش زیادی از این تحریم‌ها (چهار تحریم) با شروع دور جدید مذاکرات با ایران، اعمال شد.

این تحریم‌ها در کنار فضاسازی رسانه‌های صهیونیستی در مورد احتمال حمله قریب‌الوقوع آن‌ها به ایران و مواضع متناقضی که تیم مذاکره‌کننده آمریکایی در مورد مذاکرات با ایران، مطرح می‌کند، تکرار مواضع و اقدامات پیشین آمریکایی‌ها علیه ایران است. ترکیب این مواضع متناقض علیه ایران علی‌رغم ادعاها و اظهارات رسانه‌ای، علاوه بر اینکه خدشه‌ای بر تصویر آمریکای غیرقابل اعتماد در اذهان ایرانی‌ها وارد نکرد، نشان داد آمریکایی‌ها تنها به دنبال آن هستند که با زیاده‌خواهی و اعمال فشار، ایران را تضعیف و وادار به پذیرش خواسته‌های خود کنند.

۶۰ درصد تحریم‌های ترامپ فقط از زمان شروع مذاکره با ایران

۲۷ فروردین همزمان با شروع دور اول مذاکراتی ایران و آمریکا، وزارت خزانه‌داری آمریکا، تحریم‌هایی را علیه یک پالایشگاه مستقل چینی به بهانه خرید نفت از ایران اعمال کرد. آمریکا این پالایشگاه مستقل مستقر در چین به نام تی‌بات را به‌خاطر نقش این پالایشگاه در خرید بیش از یک‌میلیارد دلار نفت خام ایران، تحریم کرد. سه روز بعد از پایان دور سوم مذاکراتی ایران و آمریکا یعنی ۹ اردیبهشت‌ماه، وزارت خزانه‌داری آمریکا این بار تحریم‌هایی علیه ۶ فرد و ۶ نهاد در ایران و چین اعمال کرد. این تحریم‌ها که گفته می‌شد به خاطر مدیریت آنچه، شبکه تأمین قطعات و مواد لازم برای تهیه سوخت موشک‌های بالستیک سپاه، خوانده می‌شد، اعمال شده است، علیه شرکتی ایرانی به نام «سامان تجارت بارمان» و شرکت چینی «شنژن آمور لجستیکس»، اعمال شده است. آمریکایی‌ها رسم اعمال تحریم و اعمال فشار علیه ایران را در دور چهارم مذاکراتی هم ادامه دادند و در روز بعد از برگزاری چهارمین دور مذاکراتی ایران و آمریکا، شبکه حمل‌ونقل دریایی ایران را تحریم کردند در این لیست تحریم‌ها، نام ناوگانی موسوم به سایه وجود دارد که آمریکایی‌ها ادعا می‌کنند، از طریق چند شرکت پوششی، اپراتورهای بندری و واسطه‌هایی در چین، هنگ‌کنگ، درآمدهای میلیارددلاری برای ایرانیان همراه داشته است. آمریکایی‌ها در آستانه پنجمین دور مذاکراتی هم تحریم‌هایی علیه بخش ساخت‌وساز ایران اعمال کردند. این‌ها تقریباً تمام تحریم‌هایی است که واشنگتن، هم‌زمان با شروع مذاکرات با ایران، آن‌ها را علیه ایران فعال کردند. با این حساب، تقریباً بیش از ۶۰ درصد تحریم‌های اعمالی در دولت جدید آمریکا، تنها در زمان مذاکره با آمریکایی‌ها اعمال شده است، محدودیت‌هایی که چند هدف مشخص را

علیه ایران دنبال می‌کند؛ اعمال این تحریم‌ها نشان می‌دهد آمریکایی‌ها نه‌تنها از به‌کارگیری سیاست فشار حداکثری علیه ایران عقب‌نشستند، بلکه دایره این فشار را تنگ‌تر کردند، اعمال این تحریم‌ها چند روز بعد از برگزاری جلسات مذاکراتی، هم نوعی اهرم فشار برای مذاکره‌کنندگان در جهت اجرای خواسته‌های آن‌ها به شمار می‌رفت، هم در راستای تأیید این گزاره بود که اگرچه مذاکرات با ایران در جریان است اما تغییری در سیاست‌های آمریکا در مورد ایران ایجاد نشده است.

مذاکره با چاشنی خبرسازی و تهدید جنگ

اعمال تحریم‌های آمریکا علیه ایران، تنها یک وجه از اعمال فشار آمریکایی‌ها در مورد ایران، است. در آستانه شروع دور جدید مذاکراتی ایران با آمریکا، رسانه‌های صهیونیستی و آمریکایی، جنگ روانی در مورد احتمال حمله اسرائیل به ایران در صورت شکست مذاکرات را مطرح کردند. رسانه خبری سسی‌ان‌ان در گزارشی در (روز ۲۰ می، ۳۰ اردیبهشت) به نقل از چند منبع آگاه در آمریکا، مدعی شد که اطلاعات تازه‌ای به دست آورده مبنی بر اینکه، اسرائیل برای شروع حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران، در حال آماده شدن است، سسی‌ان‌ان در ادامه این گزارش به این موضوع هم اشاره می‌کند که «در دولت آمریکا، اختلاف‌نظر وجود دارد که آیا اسرائیل در نهایت تصمیم به اجرای این حملات خواهد گرفت یا نه؟» هم‌زمان رسانه صهیونیستی آکسیوس هم در گزارشی به نقل از دو منبع آگاه، نوشت که «ارتش صهیونیستی در حال آماده‌سازی، برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران است» این حملات در صورت «شکست مذاکرات ایران و آمریکا به‌سرعت اجرایی خواهد شد.» آکسیوس در ادامه این گزارش به نقل از یکی از منابع نوشت:



«اسرائیل معتقد است، پنجره عملیاتی برای انجام حمله موفق ممکن است به‌زودی بسته شود و اسرائیل در صورت شکست مذاکرات، باید با سرعت وارد عمل شود.» انتشار این گزارش‌ها به نقل از منابعی که نامی از آن‌ها برده نمی‌شود، آن‌هم در آستانه دور جدید مذاکراتی، بخشی از پروژه اعمال جنگ روانی و دستکاری افکار عمومی ایرانی‌ها به شمار می‌رود، پروژه‌ای که مستقیماً افزایش فشار به تیم مذاکره‌کننده ایرانی را به دنبال دارد و در سمت دیگر نیز نشان می‌دهد، برای طرف آمریکایی، مذاکره با ایران همچنان در دوگانه تحریم، توافق قرار دارد و با خبرسازی و گمانه‌زنی به دنبال آن است که همچنان این دوگانه را زنده نگه دارد تا بتواند از طرف ایرانی در میز مذاکره امتیازات حداکثری بگیرد.

تناقض‌گویی‌هایتان را چه کنیم؟

به نظر می‌رسد، مذاکرات در حال حاضر، در پیچ سختی قرار دارد، فضای رسانه‌ای و مصاحبه‌های عضو ارشد تیم مذاکره‌کننده آمریکایی، در مورد لزوم تعطیلی غنی‌سازی برنامه هسته‌ای ایران بر میز مذاکره هم سایه انداخته است، اما در دوره‌های ابتدایی شروع مذاکرات با هیئت آمریکایی، آنچه برخی مقامات آمریکایی در فضای رسانه‌ای مطرح می‌کردند با آنچه در میز مذاکره مطرح می‌شد، تفاوت جدی داشت، تیم امنیت ملی آمریکا شرط و شروطهایی برای مذاکره با ایران، مطرح می‌کردند، از جمله افرادی مثل مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا مدام تأکید می‌کرد که «ایران، باید غنی‌سازی را متوقف و اورانیوم وارد کند.» این موضوع از جانب دیگر مقامات کاخ سفید و آمریکا، بارها تکرار شد، این در حالی بود که مقامات ایرانی در مصاحبه‌ها و گفتگوها، صراحتاً به این موضوع اشاره کردند که آنچه آمریکایی‌ها در

فضای رسانه‌ای مطرح می‌کنند با مواضع اصلی آن‌ها در میز مذاکره متناقض است. برداشتی که می‌شد از این اظهارات متناقض داشت این بود که آن‌ها برای مدیریت افکار عمومی داخلی خود و کنترل آن این اظهارات را مطرح می‌کنند، اما برداشت دیگر و مهم‌تر آن بود که این اظهارات بخشی از تاکتیک مذاکراتی آمریکایی‌ها علیه ایران است تا با سیاست به مرگ گرفتن و به تب راضی شدن، ایران را وادار به پذیرش و کوتاه‌آمدن در مقابل خواسته‌های حداقلی که در میز مذاکره مطرح می‌شود، کند.

از تجربه‌های تیم مذاکره‌کننده اوپاما در مورد ایران، استفاده کنید

مرور مجموع این موارد نشان می‌داد، آنچه آمریکایی‌ها در حال حاضر دنبال می‌کنند، رسیدن به یک توافق با چارچوب مشخص با ایران نیست، بلکه آنچه دنبال می‌کنند، تنگ کردن حلقه فشار و تهدید علیه ایران است. یکی از اصول اساسی برای مذاکره و گفتگو، تعریف منافع و امتیازات متقابل برای طرفین است، در واقع اصل اولیه‌ای که در طرف حاضر به نشستن پای میز مذاکره برای گفتگو در موضوعی مشخص می‌شوند؛ گرفتن امتیازات یا دادن امتیازاتی مشخص است، اما آنچه در حال حاضر از اخبار مذاکراتی و مواضع آمریکایی‌ها به گوش می‌رسد، هیچ شباهتی به گفت‌وگو با اصول ذکر شده ندارد، آمریکایی‌ها در حالی از لزوم تعطیل شدن غنی‌سازی و متوقف شدن ادامه فرایند غنی‌سازی ایران می‌گویند که هنوز معلوم نیست حتی اگر ایران، غنی‌سازی خود را تعلیق کند، چه امتیازی می‌گیرد، در این میان تند کردن شیب تحریم‌ها علیه ایران، درحالی‌که مذاکره در جریان است، این ابهام را تقویت می‌کند که ایران برای چه باید حاضر به پذیرش شروط آمریکایی‌ها شود درحالی‌که هیچ دورنما و تضمین مشخصی وجود ندارد که تحریم‌ها علیه ایران، لغو شود یا کاهش پیدا کند، آن‌هم در شرایطی که مذاکره هنوز در جریان است؛ تحریم‌های شدیدتر را علیه فعالیت اقتصادی و فروش نفت ایران اعمال می‌کنند، از آن طرف تناقض‌گویی‌هایی آمریکایی‌ها در فضای رسانه‌ای و اعمال جنگ رسانه‌ای و فشار جنگ علیه ایران، این گزاره را اثبات می‌کند که آمریکایی‌ها تنها به دنبال آن هستند که در ازای رفع تهدید جنگ، ایران را وادار به تعلیق غنی‌سازی کنند، موضوعی که ایران پیش از این به‌صراحت، اشاره کرده بود که با دوگانه توافق – تهدید، مذاکره نمی‌کند، بلکه برای رفع تحریم حاضر به گفت‌وگو خواهد شد. طبیعی است که با نگاه اجمالی به جنگ روانی که آمریکایی‌ها علیه ایران ساختند، ایران حاضر به پذیرش و کوتاه‌آمدن در مقابل شروط آن‌ها نخواهد شد، چرا که خروجی این فشارهای حداکثری، تضعیف ایران است. بهتر است اعضای تیم امنیت ملی آمریکا، پیش از آنکه پروژه اعمال فشار و تهدید را در میز مذاکره در پیش بگیرند، رجوعی به توصیه‌ها و تجربه‌های مذاکره‌کنندگان تیم اوپاما داشته باشند و توصیه‌های آن‌ها را جدی بگیرند، چرا که همین مسیری که در حال حاضر تیم ترامپ به تجربه زیادی هم در مذاکره ندارد، دنبال می‌کند، همان مسیری است که تیم اوپاما طی کردند و نهایتاً حاضر شدند حق غنی‌سازی ایران را به رسمیت بشناسند.

تحریم‌های اعمالی آمریکا بعد از شروع مذاکرات با ایران

تاریخ	نهادهای تحریم شده	علت تحریم	توضیحات بیشتر
۲۷ فروردین	پالایشگاه چینی	خرید یک میلیارد دلار نفت خام ایران	پالایشگاهی مستقل به نام تی‌بات که گفته می‌شود یک میلیارد دلار نفت متعلق به یک شرکت صوری را از ایران خریداری کرده است.
۹ اردیبهشت	تحریم ۶ فرد و ۶ نهاد ایرانی و چینی	مدیریت شبکه تأمین قطعات برای تهیه سوخت موشک‌های بالستیک سپاه	نام شرکت‌ها: شرکت سامان تجارت بارمان و همچنین شرکت چینی، شنژن آمور لجستیکس مدیرعامل‌ها: محمد عسگری، عابد زرگر باب الدشتی
۲۳ اردیبهشت	شبکه حمل و نقل دریایی ایران	انتقال میلیون‌ها بشکه نفت ایران به چین	آمریکایی‌ها می‌گویند ناوگان سایه، در قالب ده شرکت پوششی در چین، هند، هنگ‌کنگ، بریتانیا، جزایر مارشال و بریتانیا نفت ایران را با واسطه می‌فروختند.
۲ خرداد	بخش ساخت‌وساز و ۱۰ ماده کلیدی	اعمال محدودیت بر موادی که برای زیرساخت‌های عمرانی و برنامه نظامی ایران به کار می‌رود.	۱۰ ماده منیزیم، تنگستن، پرکلرات سدیم و آلایذهای خاص آلومینیوم و نیکل کروم

در جست‌وجوی مسیری نو از مسقط

عباس عبدالغنی

پژوهشگر مسائل خلیج فارس

روابط جمهوری اسلامی ایران و سلطنت عمان همواره بر پایه‌ای از حسن همجواری، اشتراکات تاریخی، فرهنگی و دینی و نگاه مبتنی بر همکاری شکل گرفته است. سفر پیش‌روی رئیس‌جمهور کشورمان به عمان در اوایل خردادماه سال جاری، فرصتی ارزنده برای تعمیق و تحکیم پیوندهای اقتصادی و تجاری دو کشور محسوب می‌شود؛ پیوندی که نه‌تنها ریشه در گذشته دارد، بلکه به‌دلیل موقعیت ژئواکونومیک دو طرف، چشم‌اندازی امیدبخش برای آینده نیز ترسیم می‌کند.

در سال‌های اخیر، ایران و عمان نشان داده‌اند که با تکیه بر تعامل سازنده و منافع مشترک، می‌توانند روابط خود را به سطحی فراتر از روابط متعارف دوجانبه ارتقا دهند. اراده سیاسی موجود در سطوح عالی، بستری مناسب برای توسعه همکاری‌های اقتصادی فراهم کرده است. ازجمله جلوه‌های این اراده، می‌توان به برگزاری منظم اجلاس‌های کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی و تبادل هیئت‌های تجاری میان اتاق‌های بازرگانی دو کشور اشاره کرد.

ایران و عمان از دیرباز دارای اشتراکات فرهنگی، تاریخی و دینی بوده‌اند. این قربت‌ها زمینه‌ساز شکل‌گیری روابط اجتماعی و تجاری عمیق میان دو ملت شده است. نزدیکی جغرافیایی نیز موجب کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل و تسهیل تجارت میان دو کشور شده و مسیرهای صادرات و واردات را کوتاه‌تر و کارآمدتر ساخته است. سلطنت عمان با برخورداری از زیرساخت‌های بندری پیشرفته در صحار، صلاله و دقم و همچنین وجود مناطق آزاد اقتصادی به یکی از مسیرهای مهم صادرات مجدد کالاها برای ایرانی به کشورهای آفریقایی، شرق آسیا و اقیانوس هند تبدیل شده است. این ظرفیت‌ها در کنار سیاست‌های تجارت آزاد عمان به تجار و بازرگانان ایرانی امکان حضور در بیش از ۲۰ بازار جهانی بدون پرداخت تعرفه

گرمی را می‌دهد.

مبادلات تجاری میان ایران و عمان در سال‌های اخیر روندی روبه رشد داشته و طبق آمار رسمی، حجم این تجارت به بیش از ۲٫۲ میلیارد دلار در سال گذشته رسیده است. این رشد، نشانه‌ای از ظرفیت بالای اقتصادی و علاقه‌مندی متقابل برای توسعه روابط در حوزه‌های متنوعی همچون فلزات، مواد غذایی، محصولات کشاورزی، صنایع ساختمانی و مواد معدنی است.

از دیگر مزایای همکاری اقتصادی با عمان، سهولت در روند ثبت



شرکت، اخذ اقامت و فعالیت قانونی برای فعالان اقتصادی ایرانی است. معافیت‌های مالیاتی و ثبات نسبی اقتصادی این کشور در مقایسه با سایر کشورهای منطقه، آن را به مقصدی جذاب برای فعالان تجاری ایرانی بدل کرده است. طی سال‌های اخیر، حضور ایرانیان در عمان افزایش قابل‌توجهی یافته است. گسترش فروشگاه‌های مواد غذایی، رستوران‌ها، کلینیک‌های پزشکی و مراکز خدماتی ایرانی در شهرهایی مانند مسقط، نمادی از حضور فعال و سازنده ایرانیان در فضای اقتصادی و اجتماعی عمان



یکشنبه ۴ خرداد ۱۴۰۴



شماره ۴۴۲۰



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE